

۱ دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲ در میان گذاشتن برکات(۲۰دقیقه)
پیدایش

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (پیدایش ۱:۶- ۲۸:۹)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۳ تعمق وحفظ (۲۰ دقیقه)
ماهیت گناه :رومیان ۳: ۲۳

سری سوم از آیات حفظی به «انجیل» مربوط می‌شوند. عناوین پنج آیه حفظی از این قرارند: طبیعت گناه، مجازات گناه، فدیه گناه، نجات یک هدیه است و نجات به وسیله ایمان.

الف- تـــعمـــق

بخوانید: رومیان ۳: ۲۱ - ۲۳

«لکن الحال بدون شریعت عدالت خدا ظاهر شده است چنانکه تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسای مسیح است به همه و کل آنانی که ایمان آورند، زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.»

این آیه حفظی را روی یک صفحه یا تخته سیاه بنویسید:

ماهیت گناه رومیان ۳: ۲۳
«زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» رومیان ۳: ۲۳

۱ - مفهوم گناه در کتاب مقدس

واژه گناه به معنی به هدف نزدن است. در کتاب مقدس این مفهوم مربوط به ارتباط ما با خدا می‌شود. گناه به معنی نرسیدن به هدفی است که خدا برای زندگیمان دارد. هدف خدا برای زندگی مردم این است که در زندگی ارتباطات صحیح داشته و کارهای درست انجام دهند، اما چون با خدا سایر مردم و حتی با خودشان ارتباط صحیحی ندارند در کتاب مقدس گناهکاران نامیده می‌شوند و چون کاری را که در نظر خدا درست است انجام نمی‌دهند و از بعضی معیارهایی که خدا برای زندگی انسان دارد قصور کرده‌اند، گناهکاران نامیده شده‌اند.

هر آنچه که مردم دنیا زندگی صحیح تلقی می‌کنند، خلاف هدفی است که خدا برای زندگی آنان دارد. هدف و معیار خدا در عیسای مسیح و کتاب مقدس آشکار شده است. معیار خدا کامل بودن است (یعقوب ۱۰:۲)! هیچ کس به اندازه کافی خوب زندگی نمی‌کند. کارهای خوب هیچ کس به اندازه کافی خوب نیست. رومیان ۳: ۲۳ می‌گوید: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» پس حتی کسانی که زندگی بسیار نمونه‌ای دارند و کارهای خوب بسیار انجام می‌دهند در نظر خدا گناهکار هستند. تمامی مردم دنیا به هدف خدا دست نیافته‌اند و از معیارهای کامل خدا قاصر آمده‌اند.

کلمه گناه فقط به معنی انجام کاری نیست که در نظر خدا اشتباه است، بلکه علاوه بر آن، انجام ندادن کارهایی است که از نظر خدایی که خود را درکتاب مقدس آشکار کرده، صحیح هستند. گناه فقط داشتن ارتباطی غلط با خدا نیست، بلکه نداشتن هیچ نوع ارتباطی با خدای کتاب مقدس است.

۲ - ریشه و میوه گناه

کسانی که می‌گویند دروغ نگفته‌اند، دزدی نکرده‌اند، قتل یا جرمی انجام نداده‌اند باز هم گناهکارند، چون آنها به میوه گناه نگاه می‌کنند و نه به ریشه آن.

الف- ریشه گناه، خودکفایی یا بی‌نیازی از خداست و ارتباط از هم گسیخته با خدا را شرح می‌دهد. حتی اگر اشخاصی وجود دارند که مجرم، دزد یا دروغگو نباشند، ولی با این وجود ارتباطی با خدای زنده نداشته باشند، در صورتی که زندگی خوبی هم داشته باشند، باز هم گناهکارند چون در زندگی خود از خدای زنده‌ای که در کتاب مقدس خود را آشکار کرد، جدا و مستقل هستند. حتی اگر زندگی بسیار مذهبی داشته باشند، باز هم گناهکارند چون زندگی‌شان براساس نظریات مذهبی خود ایشان است.



ریشه گناه، کنار گذاشتن هدف خدا برای زندگی‌تان است و اینکه معیارها واهداف اخلاقی- مذهبی خود را شخصا توسط خودتان و جدا از خدایی تعیین کنید که خود را درکتاب مقدس آشکار کرد. ریشه گناه، زندگی کردن خارج از محدوده‌ای است که خدا تعیین کرده است یا زندگی، بدون تمامی محدودیت‌های الهی است. ریشه گناه، ابداع کردن و ایمان آوردن به جهان‌بینی و فرهنگ خودتان و جدایی از خدایی که خود را در کتاب مقدس مکاشفه کرده است، می‌باشد.

ب- میوه گناه، از ریشه گناه رشد می‌کند. میوه گیاه، ریشه گناه را نمایان، قابل دید و غیر قابل تکذیب می‌سازد. میوه گناه، شامل همه کارهای اشتباه و همچنین غفلت از انجام کارهای صحیح است. انجام کاری است که خدا قدغن کرده و انجام ندادن کاری است که خدا دستور آن را داده است. فهرست چیزهایی که خدا قدغن کرده است در مرقس ۷: ۲۰- ۲۳، رومیان ۱: ۲۸- ۳۲، غلاطیان ۵: ۱۹- ۲۱، تیتوس ۳: ۳، مکاشفه ۲۱: ۸ یافت می‌شوند. پس گناه فقط توضیح مفهوم کارهای اشتباه نیست، بلکه ارتباط از هم گسیخته با خدای زنده؛ یعنی خدایی که خود را در کتاب مقدس آشکار کرد، می‌باشد. وقتی مسیحیان انجیل را موعظه می‌کنند، بایستی به مردم کمک کنند تا هم مفهوم ریشه و هم مفهوم میوه را درک کنند.

۳ - جلال خدا

جلال خدا، بیان ذات الهی و حضور خداست. خدا اولین مرد و زن را به شباهت خود آفرید (پیدایش ۱: ۲۷) یعنی آنها دارای ویژگی‌های خدا بودند مثل حیات، تقدس و محبت. بعد از سقوط درگناه، آنها شباهت خود را به خدا از دست دادند و دیگر ویژگی‌های خدا را نداشتند. در عوض از نظر روحانی و جسمی مردند (پیدایش ۳: ۱۹)، نامقدس و ناپاک شدند (پیدایش ۶: ۵)، محبت خود را از دست دادند (پیدایش ۴: ۸ - ۹) و خود را از خدا پنهان کردند (پیدایش ۳: ۸ - ۱۰).

این همان مفهوم رومیان ۳: ۲۳ است. همه مردم هدفی که خدا برای زندگی آنها داشت و در نتیجه آن شباهت خود به خدا را از دست دادند. آنها فاقد ویژگی‌های ضروری الهی و احساس حضور خدا هستند. معیار خدا برای نزدیکی انسان‌ها به او، عادل شمرده شدن و پذیرفته شدن توسط او، چیزی کمتر از معیار صد در صد کاملیت نیست. بعد از سقوط انسان در گناه، هیچ انسانی صلاحیت نزدیک شدن به خدا و پذیرفته شدن توسط او را ندارد. پس در نتیجه، همه انسان‌ها تأیید خدا را از دست داده ولایق نیستند که خدا آنها را تحسین کند، بلکه سزاوار محکومیت الهی می‌باشند.

خلاصه: همه انسان‌ها فاقد وضعیت نخستین خود یعنی بی‌گناهی یا کاملیت هستند. ویژگی‌های پر جلال خدا و در نتیجه تأیید خدا را از دست داده‌اند.

ب- حفظ کردن و مـــــرور

۱- بنویسید: آیه کتاب مقدس را روی یک کارت سفید یا یک صفحه از دفترچه یادداشت خود بنویسید.

۲- **حفظ کنید:** آیه کتاب مقدس را به روش صحیح حفظ کنید. ماهیت گناه: رومیان ۳: ۲۳

۳- مرور کنید: به گروه‌های دو نفری تفسیم شوید و آخرین آیه حفظی را از یکدیگر بپرسید.

۴ بررسی کتاب مقدس(۷۰دقیقه)
و ظیفه فرهنگی کلیسا-پیدایش ۱: ۲۴ - ۲: ۲۵

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، پیدایش ۱: ۲۴ - ۲: ۲۵ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید

بخوانید: پیدایش ۱: ۲۴ - ۲: ۲۵ را با هم بخوانیم.

هر یک به نوبت یک آیه بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگر در میان بگذاریم.

(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید: در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوما یکسان باشند.)



۲۷:۱ ❋

کشف ۱) یک حقیقت مهم از نظر من در پیدایش ۱: ۲۷ می‌باشد. خلقت مرد و زن به شباهت خدا

خدا مرد و زن را به شباهت خود آفرید. ویژگی‌های مشخص مرد و زن هر دو جهت بیان شخصیت خدا لازم است. من با حیوانات، پرندگان و خزندگان بسیار تفاوت دارم، چون آنها شباهتی به خدا ندارند. به عنوان صورتی از خدا، به من ویژگی‌های شخصیتی مشابه به ویژگی‌های خداوند داده شده است. این حقیقت کمک می‌کند تا خودم را درک کنم، خلقت فوق‌العاده خود را تحسین کنم و اعتماد به نفسی سالم داشته باشم.

۲۸:۱ ❋

کشف ۲) یک حقیقت مهم از نظر من در پیدایش ۱: ۲۸ می‌باشد. برکت خدا

در کتاب مقدس این اولین جایی است که خدا مستقیما به مرد و زن اشاره می‌کند. خدا در مورد برکت

دادن به خلقت و حیوانات به طورکلی اما درمورد برکاتش با مرد و زن مستقیما سخن گفت. این نخستین مکاشفه خدا بر انسان است. که در آن خدا از طرف خود وظیفه و هدف زندگی به او بخشید. این مطلب به طور آشکار نشان می‌دهد که تفاوت بزرگی بین انسان‌ها و حیوانات وجود دارد.

خدا مرا برای وظیفه‌ای خاص آفرید. من آفریده شده‌ام تا رابطه‌ای شخصی با خدا، رابطه‌ای شخصی با دیگران و رابطه‌ای مسؤولانه نسبت به خلقت خدا داشته باشم. در ارتباط با خدا، از شباهت خود به او، به طرز شایسته‌ای نگهداری می‌کنم. در ارتباط با مردم، به تفاوت‌های میان مرد و زن احترام می‌گذارم. در ارتباط با طبیعت، بایستی آن را تحت کنترل درآورم و بر آن حکمرانی کنم.

قدم ۳: سؤال کنید

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به پیدایش ۱: ۲۴- ۲: ۲۵ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد.)

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤال‌ها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن درمورد آنها در گروه، جوابی برای‌شان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤال‌هایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

سؤال ۱) ارتباط بین پیدایش فصل ۱ و پیدایش فصل ۲ چیست؟

ملاحظات: پیدایش فصل ۲، تبیین دیگری از داستان خلقت نیست که اصل آن از یک منبع یا سرزمین دیگری باشد آنطوری که بعضی افراد مدعی شده‌اند. پیدایش ۲: ۴ آشکارا آموزش می‌دهد که تاریخ پس از تکمیل خلقت آغاز شد (پیدایش ۱: ۱- ۲: ۳).

الف- پیدایش فصل ۱، یک تبیین جدیدی از تاریخ به شیوه مدرن نیست، زیرا زمان در چهارمین روز خلقت آفریده شد (پیدایش ۱: ۱۴). پیدایش فصل ۱، مکاشفه خدا در ارتباط با خلقت جهان و بخصوص زمین می‌باشد. از آنجا که خلقت انسان عمل نهایی آفرینش خدا بود (پیدایش ۱: ۲۶- ۲۷)، مرد و زن در زمانی که خدا چیزهای دیگر را خلق کرد حضور نداشتند. بعدها خدا به آنها آشکار کرد که چه کسی هر چیزی را آفرید (پیدایش ۱: ۱)، برای چه کسی خدا چیزها را خلق کرد (پیدایش ۱: ۱۴، ۲۶، ۲۹) و برای چه هدفی خدا تمام چیزها را آفرید (پیدایش ۱: ۲۸، اشعیا ۴۳: ۷، کولسیان ۱: ۱۶).

ب- پیدایش فصل ۲، خلقت مرد به طور خاص (پیدایش ۲: ۴- ۷)، باغ در عدن (پیدایش ۲: ۸- ۱۷) و خلقت زن را (پیدایش ۲: ۱۸- ۲۵) تشریح می‌کند. پیدایش فصل ۳ تاریخ سقوط مرد و زن در گناه و در نتیجه اخراج آنها از باغ در عدن را توصیف می‌کند.

*** ۴:۲ب- ۱۷**

سؤال ۲) (پیدایش ۴:۲ ب- ۱۷) ترتیب تاریخی خلقت گیاهان و انسان چه بود؟

ملاحظات: در حینی که پیدایش فصل ۱ آشکار می‌کند که خدا در ابتدا گیاهان و درختان را آفرید، سپس حیوانات و در نهایت مرد و زن را، پیدایش فصل ۲ به نظر می‌رسد که دارای یک ترتیب دیگر است: در ابتدا خلقت مرد، سپس خلقت گیاهان و حیوانات و در نهایت خلقت زن، اما پیدایش فصل ۱ و ۲ متناقض یکدیگر نبوده بلکه کامل‌کننده همدیگر می‌باشند.

الف- پیدایش ۲: ۴ - ۷، شروع به تعریف تاریخ بشری می‌کند: خلقت مرد که در زمین کار کرده و محصولات تولید می‌کند.

تمام این قسمت می‌گوید: «در زمانی که خدا زمین و آسمان‌ها را آفرید، انسان را شکل داد.» متن اصلی این قسمت به زبان عبری یک جمله مشکل است که از یک پایان ابتدایی، یک پایان میانی و یک پایان نهایی تشکیل شده است. ترجمه آن به این صورت است: «در زمانی که خداوند خدا زمین و آسمان را آفرید در کنار همه بوته‌ها (و درختان) قبل از آنکه اینها روی زمین پدیدار شوند و به علاوه همه گیاهان زمین قبل آنکه آنها آشکار شوند، از آنجا که خداوند خدا هنوز باران را بر زمین نبارانده بود و (از آنجا که) هنوز آدمی نبود که کار کشت و زرع در زمین را انجام دهد (پایان ابتدایی: پیدایش ۲: ۴ - ۵) --- اما بخار از زمین بر آمده و تمام اطراف زمین را سیراب می‌کرد (پایان میانی: پیدایش ۲: ۶) --- خداوند خدا آدم را

سرشت، از غبار زمین و در بینی او نفس حیات را دمید، که بدین ترتیب آدم یک وجود زنده گردید» (پایان نهایی: پیدایش ۲: ۷).

۱- جمله آغازین: (پیدایش ۲: ۴ ب- ۵) وضعیت ابتدایی را توصیف می‌کند. برای سال‌ها هیچ بوته، نهال و درختانی نبود که رشد کنند، هیچگونه گیاهان وحشی در روی زمین و گیاهان کشت شده در مزارع نبودند، زیرا خدا هنوز باران را نفرستاده بود و انسانی نیز نبود که بر روی زمین کشت و زرع کند.

۲- جمله معترضه: (پیدایش ۲: ۶) آنچه را که اتفاق افتاد، وقتی که خدا گیاهان را آفرید تشریح می‌کند. در زمانی که خدا گیاهان و درختان را خلق کرد (پیدایش ۱: ۱۱ - ۱۳) او در ابتدا بخار را از زمین آفرید برای اینکه شرایطی را برای رشد گیاهان و درختان فراهم سازد. او بخار را که از زمین بر می‌آمد آفرید، برای اینکه سطح زمین نمناک شده و زمینه ای برای تشکیل ابرهای باران زا بوجود آورد، ایوب ۳۶: ۲۷ می‌گوید که خدا قطره های آب بخار را به بالا می‌فرستد به طوری که به صورت باران جاری می‌شوند.

۳- جمله پایانی : (پیدایش ۲: ۷) توصیف می‌کند که خدا چگونه آدم را آفرید. او آدم را از مواد زمین سرشت و از نفس خود در بینی او دمید تا آدم یک موجود زنده گردد. ذات انسان یگانه بود: بدن او به دنیای مادی خلق شده تعلق داشت، اما روح یا جان او از نزد خدا آمده بود و انسان را به شباهت خدا نمایان ساخت.

ب- پیدایش ۲: ۸ - ۱۷ ادامه میدهد که تاریخ بشری را تعریف کند: تاسیس باغ در عدن

خداوند خدا در محلی در عدن، باغی را درست کرد، که در جایی در شرق، از دید گزارشگر این مکاشفه قرار داشت. محل چهار رودخانه در زمان احداث باغ نمی‌تواند مشخص شود. از زمان آفرینش همه گونه بلایای روی زمین (مانند سیل) می‌توانسته موقعیت‌های جغرافیایی را تغببر داده باشد.

پیدایش ۲: ۹ اشاره به آفرینش درختان در تمام زمین نمیکند (پیدایش ۱: ۹ - ۱۱) بلکه به رشد درختان بعدا در باغ، در عدن اشاره میکند. در وسط باغ دو درخت مخصوص وجود داشتند، درخت حیات، فقط حیات فیزیکی را آنطوری که میوه بقیه درختان میسر می‌کردند، فراهم نمی‌کرد، بلکه مخصوصا می‌توانست زندگی جاودانه را عطا کند (پیدایش ۳: ۲۲). درخت معرفت خوب و بد، دانش و شناخت کامل را درمورد آنچه خوب و بد بود، می‌داد (اشعیا ۷: ۱۵- ۱۶). شناخت خوب و بد نه توسط خوردن از میوه این درخت، بلکه دقیقا از طریق نخوردن از میوه این درخت به آدم داده شد. ممنوعیت خدا در خوردن از میوه این درخت به آدم حق صحیح در داشتن معرفت خوب و بد را داد.

صرفنظر کردن از خوردن از میوه درخت، خوب بوده و خوردن از میوه درخت، بد وشایسته مجازات مرگ بود. همچنین حفاظت کردن از باغ (پیدایش ۱۵:۲) علیه نوعی نیروی شریر به آدم معرفت خوب و بد را می‌بخشید: محافظت از باغ، خوب بوده و سهل انگاری در مراقبت از این نیروی شریر بد بود.

خدا وظیفه کار کردن و مراقبت از باغ را به آدم داده بود (پیدایش ۱۵:۲- ۱۷). آفرینش کامل (پیدایش ۱: ۳۱) به علاوه کاری پر ارزش و آوردن فرهنگ بر روی زمین (پیدایش ۲۸:۱)! آدم همچنین بایستی از نوعی نیروی شریر محافظت می‌کرد (پیدایش ۱۵:۲)، که فقط در پیدایش ۱:۳ ظاهر می‌شود.

نتیجه: هر دو پیدایش فصل ۱ و ۲ آموزش میدهند که گیاهان و درختان قبل از خلقت مرد و زن آفریده شده بودند.

*** ۱۸:۲- ۲۵**

سؤال ۳) ترتیب تاریخی آفرینش حیوانات و انسان چه بود؟

ملاحظات: پیدایش ۲: ۱۸ - ۲۵، ادامه به شرح تاریخ بشری میدهد: خلقت زن. پیدایش ۱: ۲۰- ۲۷ به طور واضح تعلیم میدهد که پرندگان و حیوانات قبل از آفرینش مرد و زن خلق شده بودند. پیدایش ۱: ۲۶- ۲۷، خلاصه ای از خلقت مرد و زن است بدون اینکه عنوان شود چه مدت زمانی بین خلقت مرد و زن وجود داشت. پیدایش فصل ۲ آشکارا آموزش می‌دهد که زن بعد از مدت قابل ملاحظه‌ای پس از خلقت مرد آفریده شد.

الف- پیدایش ۲: ۱۹ نمی آموزد که خدا در یافتن شریکی مناسب برای مرد خطا کرد.

بعضی افراد پیدایش ۲: ۱۹ را بگونه ای ترجمه می‌کنند که بنظر میرسد که خدا حیوانات و پرندگان را پس از انسان خلق کرد. آنان همینطور خلقت حیوانات و پرندگان را به عنوان نتیجه یک اشتباه خدا در آفرینش یک شریک مناسب برای مرد تفسیر می‌کنند. آنها می‌گویند که مرد در میان حیوانات و پرندگان گشت و بر آنها نام نهاد، اما خدا نتوانست یک شریک مناسب در میان آنان بیابد، این تفسیر امکان‌پذیر نیست، زیرا خدایی که قادر بود، مرد را در پیدایش ۲: ۷ بیافریند می‌توانست به آسانی زن را در پیدایش ۲: ۲۱ - ۲۲ خلق کند.

ب- پیدایش ۲: ۱۸ - ۲۰ آموزش می‌دهد که خدا در ابتدا اشتیاقی را در مرد برای مشارکت با شریکی مناسب برانگیخت.

خدا در پیدایش ۲: ۱۸ بیان مشخصی را قبل از آفرینش زن در پیدایش ۲: ۱۹ - ۲۲ عنوان کرد، همانطور که بیان مشخصی را در پیدایش ۱: ۲۶ قبل از آفرینش مرد و زن در پیدایش ۱: ۲۷ مطرح کرد. فعل به زبان عبرانی در پیدایش ۲: ۱۹ به بهترین وجه به صورت ماضی بعید قابل ترجمه است: «خدا سرشته بود.» ترجمه صحیح پیدایش ۲: ۱۹ اینطور است: «وقتی خدا، خداوند از زمین تمام حیوانات صحرا و پرندگان آسمان را سرشته بود (یعنی پیش از آفرینش انسان)، او آنها را نزد آدم آورد تا آنان را نامگذاری کند (یعنی پس از آفرینش انسان) و هر طور که مرد آنان را نامید، نام آنها گردید» بنابراین پس از اینکه خدا پرندگان را سرشته بود (پیدایش ۱: ۲۰- ۲۳) و حیوانات (پیدایش ۱: ۲۴- ۲۵)، مرد را آفرید (پیدایش ۱: ۲۶- ۲۷) و پرندگان و حیوانات را نزد مرد آورد تا بر آنان نام بگذارد (پیدایش ۲: ۱۹ - ۲۰).

مرد با نام نهادن نشان داد که طبیعت و خصوصیت هر نوع پرنده و حیوانی را درک کرد. با حرکت در میان حیوانات و درک وجود آنها، مرد به طور عمیق متوجه تفاوت خودش با تمام انواع دیگر خلقت گردید. مطلب بیان شده در پیدایش ۲: ۲۰ «اما برای آدم یار مناسبی یافت نشد.» شیوه گفتن به زبان عبرانی است که «آدم برای خودش یار مناسبی نیافت.» این خدا نبود بلکه مرد بود که در یافتن یک یار مناسب خطا کرد. خدا در مرد اشتیاقی را برای مشارکت بیدار کرد که فقط یک زن می‌تواند آن را برآورده کند. پرندگان و حیوانات نمی‌توانستند این اشتیاق را برآورند. فقط یک وجود انسانی دیگر که با او برابر بود می‌توانست این اشتیاق را برآورد. بنابراین در پیدایش ۲: ۲۱- ۲۲ خدا زن را از دنده مرد آفرید برای اینکه بر راز عمیق یکی شدن آن دو تاکید کند. در پیدایش ۲: ۲۳- ۲۴ زن کاملا برابر مرد بود، زیرا او از دنده مرد گرفته شده بود تا مددکار او باشد و نه از پای مرد تا برده او باشد یا از سر او که فرمان‌دهنده به او باشد.

نتیجه: هر دو پیدایش فصل ۱ و۲ تعلیم می‌دهند که حیوانات قبل از آفرینش مرد و زن خلق شده بودند.

*** ۱:۲۶- ۲۹؛ ۲:۷**

سؤال ۴) چه چیز انسان را از سایر مخلوقات متمایز می‌سازد؟

ملاحظات: انسان متفاوت از سایر مخلوقات آفریده شد.

الف- جسم انسان- پیدایش ۲: ۷ می‌گوید که خدا انسان را از خاک زمین سرشت و دم حیات را در انسان دمید و انسان موجود زنده شد. در حالی که خدا حیوانات را با فرمان حیات‌بخش خود آفرید، انسان را با دست‌های خود و دم حیات خود به وجود آورد. این نشان‌دهنده این است که جسم انسان بسیار خاص و دارای سرنوشتی خاص است.

ب- روح انسان- پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۷ می‌گوید که خدا مرد و زن را به صورت یا شبیه خود آفرید. این بدان معنا نیست که خدا به آنان طبیعتی الهی بخشد تا مانند خودش از طبیعت الهی برخوردار باشند. به آنها طبیعتی روحانی داده شده که با طبیعت خدا هماهنگی دارد. انسان‌ها ویژگی‌های واقعی و شخصیتی خدا را دارا می‌باشند و رونوشت‌هایی از شخصیت خدا ولی با درجاتی متفاوت می‌باشند. از این لحاظ در کل خلقت، انسان‌ها بی‌نظیر هستند. در کنار مرد و زن، هیچ موجود دیگری در خلقت، دارای شباهت خدا نیست.

پ- ارتباط انسان با خدا- پیدایش ۱: ۲۸- ۲۹ می‌گوید که خدا با مرد و زن مستقیما سخن گفت. این نخستین باری بود که خدا با مردم سخن گفت. این نخستین مکاشفه خدا به انسان بود. به این مفهوم که انسان دارای این توانایی است که خدا را درک کند و با خدا ارتباط برقرار کند. به علاوه خدا به مرد و زن وظیفه حکمرانی به زمین را داد، حکمرانی بر تمام مخلوقات زنده و استفاده از تمام گیاهان و درختان. پس خدا این چنین آشکار ساخت که زمین را برای انسان آفرید و او را مباشر خلقت خود قرار داد (پیدایش ۲: ۱۵).

خلاصه: انسان دارای وجود جسمی و روانی است؛ یعنی هم جسم دارد و هم روح. فقط انسان می‌تواند به صورت منطقی فکر کند، وجدان دارد و می‌تواند بین درست و غلط تمیز قائل شود، دارای قدرت شهودی است و می‌تواند بدون استدلال درک کند، دارای قدرت طراحی و خلاقیت است و توانایی درک خدا را دارد و می‌تواند با او ارتباط برقرار کند.

*** ۲۴:۲**

سؤال ۵) (پیدایش ۲: ۲۴) آیا ازدواج صرفا نهادی انسانی است یا نهادی الهی می‌باشد؟

ملاحظات: ازدواج یک نهاد فرهنگی خداست.

الف- ازدواج ایده و نهاد خداست. در پیدایش فصل ۱ و ۲، خدا نیاز مرد را به یک شریک زندگی بیدار کرد و با خلق زن برای انسان ابتکار عمل نشان داد. او با برقراری ارتباط زناشویی نیز از خود ابتکار عمل نشان داد. قبل از سقوط مرد و زن در گناه، خدا ارتباط زناشویی را به عنوان یک ارتباط خاص برقرار کرد. با شرایط ضروری و الهی زیر:

- در ازدواج، مرد و زن بایستی والدین خود را ترک کنند.
- ارتباط زناشویی ارتباطی میان یک مرد و یک زن است که لازم است در آن، مرد طوری به (یگانه) همسر خود بپیوندد که هرگز نتوان آنها را از هم جدا کرد (متی ۵:۱۹- ۶، افسسیان ۵:۳۱- ۳۳).
- رابطه جنسی محدود به این مرد و زن و فقط محدود به بعد از ازدواج و وقوع آن فقط محدود به چارچوب ارتباط زناشویی است (عبرانیان ۴:۱۳).

ب- بعد از سقوط انسان در گناه، خدا از نهاد ازدواج حفاظت کرد. هم خداوند عیسای مسیح درمتی ۱۹ و هم پولس رسول در افسسیان ۵ این را تکرار می‌کنند که نهاد زناشویی خدا، نهادی است که بایستی بقای آن بر کل زمین ادامه یابد.

*** ۲۸:۱**

سؤال ۶) (پیدایش ۱: ۲۸) آیـــا انسان‌های روی زمین بایستی بدون محدودیت به تکثیر شدن ادامه دهند؟

ملاحظات: مسؤولیت افزایش تعداد مردم روی زمین.

الف- قبل از سقوط. به این نکته توجه کنید که این فرمان، بعد از پیدایش ۱: ۲۶ - ۲۷ که می‌گوید: «پس خدا آدم را به صورت خود آفرید» و قبل از پیدایش فصل ۳ که شرح نحوه سقوط مرد و زن در گناه است، داده شد. پس فرمان در پیدایش ۱: ۲۸ در متن خود نیاز به توضیح دارد. هدف نخستین خدا پرکردن زمین با انسان‌هایی بود که به او شباهت داشتند. همان وضعیتی که قبل از سقوط انسان در گناه وجود داشت.

خدا زمین را آفرید تا از انسان‌هایی پر شود که او را می‌شناسند، دوست دارند، اطاعت می‌کنند، در او سلوک می‌کنند و او را جلال می‌دهند. خدا زمین را به گونه ای طراحی کرد که پر از انسان‌هایی شبیه به خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی باشد (افسسیان ۴: ۲۴).

ب- بعد از سقوط. به هر حال بعد از سقوط در گناه در پیدایش ۵: ۱ - ۲ می‌خوانیم که آدم پسری به شباهت و به صورت خود داشت. از زمان سقوط انسان درگناه، زمین از انسان‌هایی پر می‌شود که همانند قبل از سقوط، شباهت خدا را دارا نمی‌باشند. با این وجود، خدا هدف اولیه خود را تغییر نمی‌دهد. خدا همچنان می‌خواهد که این زمین را با انسان‌هایی به شباهت خود پرسازد (پیدایش ۹: ۱).

از طریق کار نجات‌بخش عیسای مسیح، انسان تبدیل به خلقت تازه‌ای می‌شود (دوم قرنتیان ۵: ۱۷، افسسیان ۴: ۲۰- ۲۴). پس وقتی مسیحیان با چنین سؤالاتی نظیر افزایش جمعیت روی زمین، کنترل تعداد زایمان یا تعداد فرزندان مواجه می‌شوند، باید هدف خدا را مورد توجه خود قرار دهند که او نمی‌خواست زمین را با هر نوع انسانی پر سازد، بلکه با انسان‌هایی به شباهت خود. در مجموع خدا به مرد و زن انتخاب، توانایی، مسؤولیت و فرصت بارورشدن را داد، اما خدا به همه مردان و زنان مسؤولیت پر کردن این زمین را با انسان‌هایی که دارای شباهت خدا با ثمرات عدالت و قدوسیت حقیقی هستند، داده است.

*** ۲۸:۱**

سؤال ۷) (پیدایش ۱: ۲۸) چگونه انسان وظیفه خود یعنی تسلط بر زمین را انجام می‌دهد؟

ملاحظات: مسؤولیت اداره کردن زمین برای خدا.

الف- واژه تسلط داشتن به صورت تحت‌الفظی یعنی غلبه کردن، تحت انقیاد درآوردن یا مطیع ساختن، هماهنگ کردن و تحت تأثیر قرار دادن. پس وظیفه و هدف مرد و زن پرورش دادن مناطق پرورش نیافته خلقت خداست. مسکونی ساختن مناطق غیرقابل مسکونی، تبدیل سرزمین‌های راکد به زمین‌های قابل کشت و اهلی ساختن حیوانات وحشی به حیوانات خانگی. آنها بایستی قوانین طبیعی موجود در خلقت خدا را کشف کنند؛ یعنی دانشی پاسخگو را به کار گیرند و از قوانین فیزیکی و شیمیایی برای سلامتی انسان استفاده کنند. به هر حال حق به کارگیری علم، زراعت و صنعت بدون محدودیت نیست.

ب- واژه تسلط داشتن همچنین به معنی محافظت و نگهداری کردن است. پس وظیفه و هدف هر مرد و زنی، حفاظت کردن خلقت خدا از سؤاستفاده، استفاده نابجا و تخریب آن است. استفاده از منابع زمین دارای محدودیت‌هایی است که توسط خدا وضع شده‌اند. انسان نباید از منابع زمین در جهت ثروتمند کردن خودخواهانه خود و یا نابودی انسان‌های دیگری که روی کره زمین زندگی می‌کنند، استفاده کند. او نباید از خلقت خدا با آلوده کردن اتمسفر، هوا، آب یا زمین طوری سؤاستفاده کند که باعث به هم خوردن دائمی توازن دقیق طبیعت شده و منجر به نابودی گیاهان، جانوران و نژاد بشر به روی زمین گردد. همچنین نباید با بی‌کفایتی در اداره امور باعث اتلاف منابع روی زمین و در نتیجه قحطی و فقر گردد. در مکاشفه ۱۸:۱۱ خدا نیروهای چند ملیتی چندملیتی‌ها، دولت‌ها و قدرت‌های نظامی روی زمین که زمین را به نابودی می‌کشانند هشدار می‌دهد که زمانی خواهد رسید که خدا ایشان را نابود خواهد کرد!

پ- مسؤولیت تسلط داشتن شامل انتقال فرهنگ کتاب مقدس یا مسیحی به مردم سراسر جهان است. فرهنگ هر ملتی شامل دید دنیوی آنها، حقایق، باورها، خرافات و ارزش‌هایی است که از طریق اعتقادات، تجربیات، رفتارها، روابط و سنن آنها (آداب و رسوم) آشکار می‌شوند. بعد از سقوط در گناه، فرهنگ تمام ملل دنیا به تدریج از خدای زنده و فرهنگ او فاصله گرفت. در طی سالها، مردم بدون خدا زندگی کرده‌اند و بارها و بارها جنبه‌های گناه‌آلود را در فرهنگ خود پذیرفته‌اند. هدف خدا این است که نه تنها مردم بلکه فرهنگ آنها را تغییر دهد. خداوند قصد دارد که قوم خاص خدا را با فرهنگی خاص به نام فرهنگ ملکوت یا فرهنگ ملکوت خدا بر روی زمین بوجود آورد. به دلیل اینکه رفتار انسانی مخالف مکاشفه خدا در کتاب مقدس است، هدف اغلب تعالیم کتاب مقدس تغییر فرهنگ است.

*** ۲۸:۱**

سؤال ۸) (پیدایش ۱: ۲۸) انسان چگونه وظیفه حکمرانی بر زمین را انجام می‌دهد؟

ملاحظات:

الف- واژه «حکومت کردن» به معنی حکمفرمایی و تحت انقیاد درآوردن است. پس وظیفه و هدف مرد و زن کنترل تمام مخلوقاتی است که خدا در هوا، بر خشکی و در دریا خلق کرده است. برای مثال در امثال ۱۲: ۱۰ چنین می‌خوانیم: «مرد عادل برای جان حیوان خود تفکر می‌کند، اما زحمت‌های شریران ستم‌کشی است.»

پس یک مسیحی نباید نسبت به حیوانات ظالم باشد، بلکه بایستی در چارچوب حیطه مالکیت خود به خوبی از آنها مراقبت کند. همینطور یک مسیحی بایستی از تمام مخلوقات خدا مراقبت کند.

ب- وظیفه انسان استفاده از این حیوانات، پرندگان و ماهی‌ها درجهت منافع مردم است.
انسان بایستی با تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و آموزنده و با توجه به سلامتی مردم، بر حیوانات حکومت کند. قبل از سقوط انسان در گناه، خدا هر دانه حاصلخیز و هر درختی که میوه می‌آورد را همراه با دانه‌اش برای خوراک به بشر داد، اما خدا بعد از سقوط درگناه و خرابی دنیایی گناه‌آلود در اثر طوفان، هر نوع حیوان، ماهی و پرنده‌ای را نیز برای خوراک به آنها بخشید. در پیدایش ۹: ۳ می‌خوانیم: «و هر جنبنده‌ای که زندگی دارد برای شما طعام باشد همه را (اکنون) چون علف سبز به شما دادم.»

پ- این مسؤولیت حکمرانی محدود به حیوانات، ماهی‌ها و پرندگان است. مسؤولیت حکومت کردن شامل حکمرانی بر سایر مردم نیست. بدین معنی که بعضی مردم نباید مستبدانه بر سایر انسان‌ها حکومت کنند، به آنها ظلم کنند، آنها را برده سازند و بکشند. یک ملت هیچ حقی ندارد که بر ملت دیگر حکمرانی کند. هیچ فردی در هر ملتی حق ندارد که به مردم خود یا بیگانگان ظلم کند، آنها را برده سازد یا به آنان جفا رساند!

خدا زمان و مکانی را تعیین نمود تا هر قومی در آن محدوده زندگی کنند (اعمال رسولان ۲۶:۱۷- ۲۷) اما زمین و همه منابعش هنوز به خدای کتاب مقدس تعلق دارند (مزمور ۱:۲۴) و هیچ ملتی حق ندارد مدعی مالکیت بخش خاصی از زمین شود. مردمان تنها سمت نظارت و مباشرت بر مایملک خدا را دارند!

ت- آیا مسیحیان می‌توانند مسؤولیت‌های دولتی را بپذیرند؟ در عهد عتیق به علاوه پادشاهان یهودا مانند داوود انسان‌هایی مانند موسی، یوسف، دانیال و نحمیا همه دارای موقعیت‌های مهم دولتی در کشورهای بزرگی مانند مصر، بابل و پارس بوده و تأثیر بسیار خوبی بر دیگران داشتند. در عهد جدید، نیقودیموس یکی از اعضای قدرت دولتی یهودیان به شمار می‌رفت. در لوقا ۷ و اعمال رسولان ۱۰، افسر نظامی رومی مسیحی شد. در اعمال رسولان ۸ یک افسر مهم اتیوپی، در اعمال رسولان ۱۳ یک والی قبرسی و در اعمال رسولان ۱۷ یکی از اعضای شورای آتن مسیحی شد.

عیسای مسیح آمد تا مردم را از هر طبقه اجتماعی نجات بخشد و این شامل انسان‌های با نفوذ در حاکمیت نیز می‌شود. وقتی اشخاصی که دارای منصب دولتی هستند مسیحی می‌شوند، بایستی با توجه به موقعیتشان تأثیر بسیار خوبی بر سایرین داشته باشند. در اول تیموتاؤوس ۲: ۱ - ۴ از مسیحیان خواسته شده است که برای همه مردم بخصوص «پـــادشاهان و جمیع صاحبان منصب در حاکمیت» دعا کنند، زیرا خدا می‌خواهد که آنها هم راستی را بشناسند و نجات یابند. پس مسیحیان لازم است که برای مقامات دولتی کشور خودشان دعا کنند. عیسی فرمود که رسولان باید در برابر مقامات حکمتی شهادت دهند (متی ۱۰:۱۷- ۲۰، اعمال رسولان ۲۳:۱۱؛ م.ک. اول پطرس ۲:۱۵).

ث- مسؤولیت حکمرانی شامل جهان ماورای زمین نیست. در حالی که هنوز بسیاری از مردم روی زمین در فقر و گرسنگی زندگی می‌کنند، انسان نباید پول و منابع با ارزش را در راه کشف فضای خارجی زمین تلف کند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحا با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس پیدایش ۱: ۲۴- ۲: ۲۵ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدام یک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند.)

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (پیدایش ۱: ۲۴- ۲: ۲۵)

- ۱: ۲۷ پیوسته هوشیار باشید که خدا شما را خلق کرده تا در دنیا به او شباهت داشته باشید.

- ۱: ۲۸ در پر کردن زمین با مردمانی که به خدا شباهت دارند شرکت فعال داشته باشید. بچه‌های خود و بچه‌های سایرین را طوری تربیت کنید تا عیسای مسیح را بشناسند و به صورت خدا تبدیل شوند.
- ۱: ۲۸ به عنوان یک دانش‌آموز، قوانین طبیعی موجود در خلقت خدا را کشف کنید؛ یعنی دانش پاسخگو را به کار گیرید و از این قوانین فیزیکی و شیمیایی برای سلامتی انسان استفاده کنید.
- ۱: ۲۸ از خلقت خدا در برابر سؤاستفاده، استفاده نابجا و خرابی محافظت کنید.
- ۱: ۲۸ فرهنگ کتاب مقدسی یا مسیحی را به مردم سراسر جهان منتقل کنید.
- ۱: ۲۸ در ارتباط با منابع پرندگان، حیوانات و ماهی‌های روی زمین، برای سلامتی مردم تصمیمات عاقلانه و آموزنده بگیرید.
- ۱: ۲۸ اگر یک مسیحی دارای منصبی دولتی است اجازه دهید تا آنجا که امکان دارد بر اجتماع خود تأثیر مفید داشته باشد.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف- نسبت به مسؤولیت فرهنگی که خدا به مسیحیان داده است به شناخت بسیار بهتری دست یافته‌ام. قسمتی از مسؤولیت مسیحی حفاظت از خلقت خداست. پس ما مسیحیان نیاز داریم که به مسایل زیر به صورت جدی توجه کنیم:

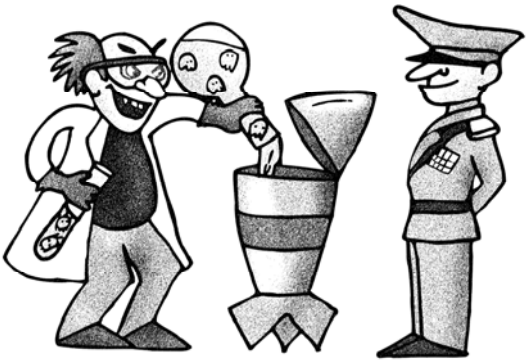
۱- متوقف کردن تخریب طبیعت در به هم زدن تعادل زیستی. برای مثال متوقف کردن تخریب لایه ازن اطـــراف زمین، تخریب جنگل‌های انبوه بارانی، مراتع و تخریب بعضی حیوانات در زنجیره غذایی.

۲- متوقف کردن آلودگی جهان. برای مثال، متوقف کردن آلودگی آب‌ها که در اثر ریختن سموم و فضولات صنعتی به رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ایجاد می‌شود، متوقف کردن آلودگی هوا که در اثر گسترش نامتناسب صنایع و حمل و نقل ایجاد می‌شود و کاهش آلودگی صوتی.

۳- متوقف کردن مصارف خطرناک درعلم کشاورزی. برای مثال متوقف کردن تزریق هورمون رشد به حیواناتی که مردم گوشت آنها را مصرف می‌کنند، اضافه کردن نگهدارنده‌های خطرناک و مواد رنگی به خوراکی‌ها و تغییر ساختار غذاها با مهندسی ژنتیک در گیاهان.



۴- متوقف کردن مصارف خطرناک در علوم صنعتی. برای مثال، متوقف کردن تولید بمب‌های هسته‌ای و تولید مواد برای جنگ‌های میکروبی و شیمیایی.



۵- متوقف کردن مصارف خطرناک درعلوم پزشکی. برای مثال متوقف کردن سقط بچه ناخواسته، قتل عمد پزشکی برای نجات از رنج و مهندسی ژنتیک در انسان.

ب- متقاعد شده‌ام که مسؤولیت فرهنگی که خدا به کلیسا سپرده است محدود به مسایل طبیعی نیست. علاوه بر ضروریات بایستی شامل مسایل عقلی، روانی، اجتماعی و روحانی باشد.

۱- از جهت منفی، مسیحیان بایستی علیه چیزهایی مثل دروغ، عکس‌های قبیح و خشونت که در رسانه‌های گروهی مثل مجله‌ها، تلویزیون و نمایش تلویزیونی انتشار وسیعی دارد، مبارزه کنند. آنها بایستی با قانونی ساختن سقط جنین و همجنس‌گرایی و همینطور با تن دادن به تبعیض نژادی و فساد مبارزه کنند. آنها بایستی با قماربازی و دیگر بازی‌های سرگرم‌کننده‌ای که بسیاری را برده خود می‌سازند، مبارزه کنند. آنها باید با تولید و پخش و استفاده از مواد مخدر مقابله کنند.

۲- از جهت مثبت، مسیحیان بایستی با بشارت پیام ایمان مسیحی بر بی‌خدایی و بی‌ایمانی غلبه کنند. بایستی با شاگردسازی بر عدم بلوغ و بی‌ثمری در میان مسیحیان غلبه کنند. بایستی در ریشه‌کن کردن شرارت‌های اجتماعی و ارزش‌های ناپاک سهیم باشند.

بایستی در امر ساختن نهادهای مفید مانند بیمارستان‌ها، خانه‌های سالمندان، نهادهای آموزشی و امکانات تفریحی سالم شراکت داشته باشند که به جای ضدیت با خدا تأثیر واقعی مسیحی را بجا می‌گذارد. بایستی مردم را راهنمایی و به آنها کمک کنند تا از زندگی شکست خورده خود شفا یابند. مسؤولیت فرهنگی کلیسا مربوط به کل بشر، تمامی قسمت‌های خلقت و تمامی جنبه‌های فرهنگ انسان است.

قدم ۵: دعا کنید

درمورد حقیقتی که خدا به ما در پیدایش ۱: ۲۴ - ۲: ۲۵ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵ دعا(۸دقیقه)
دعای شفاعت

به دعا در گروه های دو یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶ تکلیف منزل(۲دقیقه)
برای درس بعد

سرگروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با پیدایش ۱: ۲۴ - ۲: ۲۵ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ ـ رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت پیدایش ۱۲ - ۱۵ بخوانید. از روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ حفظ کردن- آیه انجیل ۱ - ماهیت گناه - رومیان ۳: ۲۳ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

۴ ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.